

عبور از اصلاحات

این واژه؛ نشان دهنده ی وضعیت فعلی اصلاح طلبانِ انحرافی است. چرا گفتم انحرافی؟! زیرا هر حزبی که بوجود می آید قطعاً دچار یک شاخه جریان انحرافی میشوند و اصلاح طلبان بعد از فوت مرحوم هاشمی رفسنجانی ناتوان شدند از ایجاد فضاهای جریانی و بدلیل

(۱) عدم تمرکز

(۲) سوء مدیریت

(۳) نداشتن برنامه منسجم

اذهان عمومی را بسمت رویدادهای کوچک اجتماعی مثل حضور زنان در ورزشگاه ها، دخترآبی... و امثالهم سوئیچ کردند و مطالبات محقق نشده معیشتی طبق قول های بی پایه و اساس جناب آقای روحانی را کاور کردند.

خیلی ساده توضیح بدم خدمتون (در حوزه سیاست اول شک پیش میاد ، دوم اختلاف و در نهایت دعوا)

پس چهار سال اول دولت آقای روحانی شک و اختلاف بود

□ دقت بفرمایین

اختلاف نظر در برجام، FATF، سند ۲۰۳۰، حقوق های نجومی، شفافیت...

در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی، شاهد دعواهای سیاسی آنها هستیم. به این دلیل #اصلاحات هیچ برنامه ای برای معیشت مردم ندارد زیرا بشدت دچار دعواها و اختلافات درون سازمانی خودشان شدند.

بنظر بنده دولت آقای روحانی همچنان در لذت ماه عسل شش ساله رأی آوردن و پیروزی در انتخابات هستند و دو سال پایانی هم قصد ندارند فکری به حال سفره های مردم کنند.

پرستو مروجی

طرح براندازی ایران

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/dcp_619b868dc382f2c8696d1fd76b51d4ac.mp4

..... پایان یک تراکنش!

یابش ابوبکر البغدادی و کشته شدنش توسط کماندوهای آمریکائی قبل از آنکه ارزش عملیاتی داشته باشد برخورداری از تراکنشی سیاسی است. حذف فرمانده داعش بوی یک معامله سیاسی را می‌دهد که می‌تواند موید تبادلی دو یا چند جانبه بین طرفهای درگیر در مناقشه خاورمیانه باشد.

قدر مسلم واشنگتن طرف اصلی چنین معامله خوش سودی می‌تواند باشد آن هم در موقعیتی که ترامپ از ناحیه ناکامی و ناکارآمدی در سیاست خارجی بشدت در مضیقه بود و اکنون با توسل به جنازه البغدادی می‌تواند و توانست واریته و شوآفی مْهیج از توفیقی بزرگ در یکی از حوزه‌های سیاست خارجی آمریکا را کارناوال کند!

ظاهراً بعد از تصمیم ترامپ جهت خروج ارتش آمریکا از سوریه طرفین برای یک پاکسازی مرضی‌الطرفین به منظور جُرم‌شوئی و پاک کردن «شواهد ایزائی» به توافق رسیدند و معامله بر سر البغدادی یکی از مفاد چنین توافقی می‌تواند باشد!

هر چند هلاکت البغدادی کمترین جای را تاسف ندارد اما عبرتی است برای دیگر پاپتهائی که مانند وی با توهم خویش‌باشی در زمین سیاستی بازی می‌کنند که قواعدش را اصحاب قدرت تعریف کرده و همان اصحاب قدرت با تمام شدن تاریخ مصرف آن پاپتها و در راستای تحصیل منویات خود ایشان را لامحاله «ریسایکل» (!) می‌کنند.

#داریوش سجادی

#ابوبکر البغدادی

#ترامپ

#داعش

عبور از اصلاحات

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/video_2019_10_27-6_48_16_220_WV0.mp4

بیستاره‌ها !

ابراهیم حامدی (ابی) آوازخوان خوش صدای نسل پهلوی در جدیدترین خوانش خود تحت عنوان «کوچه نسترن» جا علانه با تحریف تاریخ و ارائه تصویری ناراست از جنگ تحمیلی کوشیده «آب به تاریخ ببندد»! و ناجوانمردانه و لاکن ناکامانه تلاش کرده سیبزمینی صفتی خودآیشان در جنگ تحمیلی را با «شهیدرُ بائی» استعار نماید!

تلاشی نامنصور که از آن طریق تنها توانسته بی‌حطی خود و کلنی فارسی زبانان لوس‌آنجلس نشین از واقعیت‌های ایران نوین را عریان و هویدا کند!

جناب آقای حامدی!

هر چند جهدتان در تحریف تاریخ قابل فهم است لکن چنین جهدی لزوماً ماخوذ به نتیجه نیست.

پیش از شما و در اقدامی مشابه همسر رجب طیب اردوغان در سفر به ایالات متحده آمریکا کلاهبردارانه ضمن مصادره مولانا به عنوان شاعری اهل ترکیه (!) سه جلد ترجمه انگلیسی دیوان اشعار مولانا را در مقام پیشکش به «لورا بوش» همسر رئیس‌جمهور وقت هدیه کرد!

هر چند در همان زمان خطاب به رباب‌یاشگران مولانا گفتم گیریم مولانا را به دروغ بنام خود سند زدید لکن با کدام ترفندی توان آنرا خواهید داشت تا حلاوت اشعار فارسی مولانا را به انگلیسی معادل سازی کنید؟!

آن یکی شیر است اندر بادیه – و آن دگر شیر است اندر بادیه

آن یکی میلک (Milk) است اندر کالدرن (Cauldron)

و آن دگر لاین (Lion) است اندر دزرت (Desert)

جناب آقای حامدی!

امروز نیز خطاب به شما می‌گویم:

مذبوحانه نکوشید بی‌فروغی آسمان بیستاره خودآیتان را با مصادره

«شهدای جنگ تحمیلی» مابه ازای کنید.
آنانکه کوشیده‌اید مصادره کنید همانانی بودند که جان عزیز خود را
فدیه باشندگی کشورشان کردند تا پاسداشت نباشندگی شماییان در کنار
و جوار خود و کشورشان، کرده باشند!

کمال ناجوانمردی است وقتی همین جوانان در دفاع از دین و میهن و
نظام و انقلاب و امامشان به جبهه‌ها هجوم بردند، شماییان با دریا
دریا داعیه وطن‌پرستی تا عمق لِسْ آنجلس گریختید و به این زبونی نیز
بسندۀ نکرده و نارفیکانه با شش دانگ صدا در «نون و پنیر و سبزی»
امام آن مجاهدان را با اتصاف «جادوگر شهر بد» نشسته‌ای بر منبر
خون خواندید که رسالتی جز گردن زدن عشاق را بر عهده ندارد!
آقای حامدی

خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر
حَیَوَان را خبر از عالم انسانی نیست
بوتیمارانۀ برای عشق مرثیه سروده‌اید و ناپاکانه و ناسپاسانه از
دهان شهدای دفاع مقدس ابراز لحن فرموده‌اید که:
مادر نزار اسم من، اسم کوچۀ مونس بشه
وقتی عشق نمی‌تونه تویی کوچۀ پیدا شه
در حالی که «شیر زهله‌گان خمینی» با آونگ موسیقایی امامشان در
جبهه‌ها رقص عشق می‌کردند آنگاه که امامشان به حلاوت و صلابت
فرزندانش را انگونه امامت و دلالت می‌کرد که:
برخی از جوانان مملکت در عنفوان جوانی عقال تمنیات دنیا را از
پای حقیقت عشق برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان شتافتند و
در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند ... حال من خاکی در بند اول
کتاب منیت خود مانده‌ام و از این قافله بانگ جرسی می‌شنوم.
جناب آقای حامدی

بقول فروغ تان: پرواز را بخاطر بسپار. پرندۀ مُردنی است!
شهدای جنگ تحمیلی دُرَدانه‌های ایران و فخر جهانند.
این دزدی است جناب حامدی!
رُبایش دُفینه‌ای که دلالت شجاعت و صلابت و حُریت و صداقت و پارسائی
یک نسل است، سرقت نیست - جنایت است.
#داریوش سجادی

شطحيات يك رئيس جمهور!

باورداشت دكتر روحاني از بديهيّات عقلي فاقد عمق انديشگي است! ايشان اخيرا فرموده‌اند:

شايد برخي دقت كافي نداشته باشند كه شهامت، شجاعت، صبر در صلح بالاتر از صبر و استقامت در جنگ است و چه بسا مصلحت امت و جامعه اسلامي براي تندروها قابل فهم نباشد ... و امام حسن(ع) از چنين شهامتي برخوردار بودند ... هدف اسلام نه جنگ و نه صلح بلكه مصلحت اسلام و جامعه است.

جناب روحاني - عليرغم اصرارتان بر «تنزه طلبي‌هاي عالمانه» لکن فَلَائِاتِ كَلَامَتان مويد آنست كه نه تبخري در دروس حوزوي داريد و نه در گلاسكو توفيق آنرا داشته‌ايد مباحث آكادميك را به تامل و تعمق، تلمذ فرمائيد!

بي جهت دوقطبي امام حسن (ع) و امام حسين (ع) نسازيد و بر اين دوگانه نكوبيد. هر دو امام بدنبال استيفاي عدالت بودند. دغدغه اسلام جنگ و صلح نيست و اهمامي اگر هست در اقتفای حق و عدالت و تلاش بمنظور اعاده حق و استقرار عدل است.

جناب رئيس جمهور!

نقل اين حرفا نيست - دعوا بر سر تندروي و كندروي نيست. محل نزاع رهروي و كجروي است!

فرموده‌ايد: در انقلاب اسلامي زماني پيروز هستيم كه در كشورمان اخلاق حاكم باشد. درشت‌گويي و سخنان غيرمنطقي و بي‌پايه و واهي و شعاري هيچ ربط و شباهتي به انقلاب اسلامي ندارد.

جناب پريزيدينت! واعظ غير متعظ را مي‌نمائيد!

اظهارات شاذتان در دوران تبليغات انتخابات را فراموش كرده‌ايد!؟

فرداي پيروزي‌تان خطابتان كردم:

شما بُرديد، باختيد! در سوداي سياست و در طمع خلعت زعامت و با ابتلا به شهوت قدرت، اخلاق را با آن همه بي‌اخلاقي باختيد! قدرت را بُرديد اما اخلاق را باختيد - معظم له!

.....

[مقاله شما رئيس جمهور من نيستيد](#)

#داريوش سجادي

شاذیات دکتر روحانی!

آقای حسن روحانی در جدیدترین اظهارات خود در جمع دانشگاهیان ابراز داشته‌اند:

بیش از ۴۰ سال است هنوز به جواب روشن و قاطع نرسیدیم؛ عده‌ای می‌گویند تعامل سازنده با دنیا و عده‌ای هم می‌گویند تقابل مداوم ... استراتژی تعامل باشد یا تقابل؟ این مساله است. اگر در این مسائل به نتیجه نرسیدیم، باید همه‌پرسی از مردم را برگزار کنیم.

...

متأسفانه اظهارات فوق و برخلاف انتظار دلالتی است بر فقد بضاعت و حزم سیاسی نزد رئیس‌جمهوری که طی ۴۰ سال گذشته در بالاترین سطوح سیاسی و امنیتی کشور عهده‌دار مسئولیت بوده‌اند.

جناب آقای روحانی!

کدام عقل سلیم و کدام سیاستمدار زبده و کدام ابجدخوان دنیای سیاست، خود و کشورش را در عرصه سیاست خارجی چنین نابلدانه که جناب‌عالی می‌اندیشید و می‌فرمائید، خلع سلاح می‌کند؟! متوجه فرمایش عوامانه خود هستید!

صورت ساده فرمایش جناب‌عالی بدان می‌ماند تا بگوئیم چه نیازی به دو دست داریم وقتی با یک دست هم می‌توانیم کارهایمان را انجام دهیم و پس بی‌آیم دست دیگرمان را قطع کنیم!

جناب رئیس‌جمهور تقابل و تعامل هر دو ابزارهای سیاست خارجی بوده که به اقتضا و حسب نیاز هر کدام در جای خود لازم بوده و در جای خود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جناب آقای رئیس‌جمهور!

متوجه هستید که با منطق مَعْرُوج جناب‌عالی در مواجهه با تهاجم ارتش صدام به ایران لاجرم می‌بایست در فقد عنصر تقابل ذلیلانه متوسل به راهکار تعامل با دشمن متجاوز می‌شدیم؟!

جناب آقای رئیس‌جمهور کاش در تراز یک رئیس‌جمهور ابراز نظر بفرمائید!

#داریوش سجادی

از مور تا بنه‌ور!

سخنی با خانم فرزانه روستائی

مخالفت با جمهوری اسلامی همان‌قدر قابل فهم است که متنفر بودن و برنتابیدن آن بنا به هر دلیلی از جانب غیظ و رزان، قابل هضم! آنچه در این میان ناوآرد و غیر قابل پذیرش است ناراستی و توسل اپوزیسیون به ابزار نجس و شرف فروشی در مبارزه سیاسی است! خدا رحمت کند مرحوم عزت‌الله سحابی را که علیرغم همه انتقادات موجه یا ناموجه‌اش به نظام، لکن تا آن اندازه شرف داشت که در مسیر مخالفت‌هایش با نظام ارزنی خود را به نجاست ابزاری نیآلود و تا پایان عمر آبرومندانه در کشور ماند و با فصاحت اذعان داشت: مبارزه سیاسی با نظام در خارج از کشور حرف م‌غت است. اگر ع‌رضه و شهادت دارید همین جا و در کنار مردم بمانید و از مواضع‌تان دفاع کنید!

متاسفانه و برخلاف توصیه مرحوم سحابی «لات بازی در کوچه‌های خلوت» مبدل به تخصص‌مشتی‌خودشیفته در خارج از کشور شده که تا وقتی در ایران بودند ریاکارانه از پیاز حکومت ارتزاق کرده و هوسبازانه از سفره نظام لقمه می‌گرفتند و آنگاه که خیارشان کونه کرد! سر از فرنگ درآورده و با عمیق‌ترین شکل ممکن مبتلا به سندروم «خودژاندارک بینی» و «خویش‌رستم‌انگاری» مزمَن شدند و با هزاران کیلومتر دور شدن از وطن شجاعت‌شان فوران کرد و «معرکه گردان و قهرمان» م‌شتی بی‌قهرمان و مفلوک‌تر از خود، شده‌اند!

ژانگولرهای نظیر معصومه علینژاد و محمد حسینی طباطبائی و مجتبی واحدی و راشدان‌ها و حقیقت‌جوها و پیرموزن‌ها و باطبی‌ها و نبوی‌ها و اره و اوره و شمسی‌کوره‌ها و مدل به مدل مشنگ‌های از این مدل در غربت، شاخص‌های از فقر فضیلت و فقد شرافت‌اند که می‌تواند و می‌بایست نماد عبرت نسل جوان ایرانی باشند!

نیما زم نیز یکی از میانه همین خویش‌رستم‌بینان و لات‌های کوچه‌های خلوت بود که اکنون به پایان پروژه خود رسید.

مشکل قبل از چیستی مشکلات روانی این «خویش‌قهرمان اندیشان» بستری است که این بیماران روانی را اقبال می‌کند!

بدبختی اصلی را می‌بایست در گندآبی کاوید که محتاج رشد و گسترش چنین کرم‌چاله‌هائی‌اند! گندابه‌هائی که در آن امثال «فرزانه روستائی» بغض‌شان برای قهرمان پوشالی‌شان می‌شکند و بوتیمارانه نجوای دلتنگی سر می‌دهند که:

«نام زم از صدر جدول کسانی که برای مردم ایران و آب و خاک ایران

از جان مایه گذاشتند و دل سوزاندند هیچگاه جا بجا نمی‌شود!»
خیر خانم روستائی!

دل مویه شما بازتاب بی‌فروغی آسمان بدون ستاره اپوزیسیون خارج از
کشورتان است. در چنین وانفسائی مورچه‌ها هفت‌تیر کش می‌شوند و
شیدائیانِش آن مور را بن‌ه‌ور می‌انگارند!
#داریوش_سجادی

اسپریم سالاری!

سلطنت‌طلبان از میانه اپوزیسیون برانداز و متنفر از جمهوری اسلامی
کُ‌میک‌ترین و در عین حال رقت‌انگیزترین گروهی‌اند که قبل از فعالیت
سیاسی مستحق روان درمانی کلینیکال‌اند!

فرقه‌ای که در قرن ۲۱ و در سپهر و فرآیند رشد و تَطَوُّر دانش و
بینش بشری کماکان قائل به «اسپریم سالاری» است! و با این باور که:
«احراز شانیت و احصای صلاحیت» و «مبنای حلول پادشاهی و استلزام
جلوس بر مسند فرمانروائی» و «استحقاق خلعت صاحبقرانی» مَحُول به
«اسپروماتوزوئید» سلطان و انتقال بموقع آن «یاخته گداخته» به
اعضاء و جوارح آن دَرْدانه و سلطانزاده بوده و با چنین پنداشت و
باورداشتی «آستان‌بوس» و «یاخته‌دوست» نظام سلطنت می‌باشند!

کُ‌میک‌ترین بخش داستان آنجاست که فرقه مزبور مدعی است انقلاب اسلامی
یک سناریوی آمریکائی بود و کاخ سفید در نشست گوادالوپ وقتی متوجه
شد محمدرضا پهلوی می‌خواهد از آن به بعد «نفت را در اوپک گران
کند» دستور عزل وی را دادند و این منوال نقطه آغاز زوال آن سلطان
شد!

احتجاج سلطنت‌طلبان در حالی است که تا قبل از انقلاب اسلامی قیمت هر
بشکه نفت تنها ۲ دلار بود و در ماجرای تحریم نفتی اعراب حداکثر به
بشکه‌ای ۱۲ دلار رسید و سلطنت‌طلبان مزبور در الفبای احتجاج خود
مانده‌اند که اگر شاه توسط آمریکا و به «جُرْم تمایل به افزایش
قیمت نفت» ساقط شد پس چرا از فردای تاسیس جمهوری اسلامی قیمت نفت
نه تنها کاهش نیافت بلکه بشدت افزایش پیدا کرد و دیگر هرگز به
بهای نازل زمان سلطنت اعلی‌حضرت‌شان نرسید؟!

حال بگذریم از این نکته که اساساً چرا شاه‌شان برآمده از فرآیندی بود که واشنگتن به راحتی می‌توانسته ماندن یا نماندن وی در قدرت را با یک نشست و برخاست در گوادالوپ عهده‌داری کند؟!؟

اما مهم‌تر آنکه سلطنت‌طلبان مزبور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شال و کلاه کردند و رحل اقامت در جوار همان ایالات متحده افکندند و ۴۰ سال هم هست که علیرغم تحفظ غیظ و نفرت‌شان از آمریکای بزعیم‌شان «شاه‌خوار» باز هم کاسه گدائی نزد واشنگتن گرفته و از کاخ سفید تکیه محبت و مطالبه شفقت بمنظور بازتولید سلطنت در ایران می‌نمایند!

(از سلسله مقالات اپوزیسیون شناسی)

#داریوش سجادی

دستگیری روح الله زم

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/video_2019_10_15-22_45_26_356_Tly.mp4